

اقتصاد و باروری

(نظریه‌ها و نقدها)

دکتر محمد جواد محمودی* مهدی احراری** علی نیکونبستی***

چکیده

در این مقاله تلاش می‌شود، با بررسی نظریه‌های مهم اقتصادی در موضوع باروری از زمان آدم اسمیت تا دوران معاصر، تقسیم‌بندی مناسبی از این نظریه‌ها ارائه شود. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تقسیم‌بندی این نظریه‌ها به خرد و کلان بهترین تقسیم‌بندی برای این موضوع است و نظریه‌های خرد استحکام نظری بیشتری دارند. با این حال، نظریه‌های خرد نیز کلیت یک پارچه‌ای نیستند و تفاوت‌های فراوانی بین آنها وجود دارد. از سوی دیگر، عموماً به نظریه‌های اقتصادی و از جمله نظریه‌های اقتصادی در موضوع باروری انتقادی مهم مبنی بر نادیده گرفتن نقش نهادها وارد است. در واقع، مطالعات گوناگون نهادگرایان و اندیشمندان علوم شناختی نشان می‌دهد که فرض عقلانیت کامل که سنگ بنای رویکرد اقتصادی است، فرض درستی نیست؛ لذا در تحلیل رفتار افراد باید به عواملی مانند فرهنگ، ایدئولوژی، عرف و غیره که نهادگرایان آنها را ذیل عنوان نهاد تعریف می‌کنند، توجه کرد. امری که در تحلیل باروری نیز باید به آن توجه شود. بررسی‌های گوناگونی نشان داده‌اند که نهادها نقش مهمی بر باروری دارند و این در حالی است که در تحلیل‌های اقتصادی از این مسئله غفلت می‌شود.

واژگان کلیدی

کاهش باروری، اقتصاد، انتخاب عقلایی، رویکرد فرهنگی، نهادگرایان.

mah94@chmail.ir –*

meahrari@yahoo.com –**

alinikoo77@gmail.com –***

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۶، تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۲۰

۱- مقدمه و بیان مسئله

باروری و پایین بودن آن از موضوعاتی است که اندیشمندان از گذشته‌های دور به آن پرداخته‌اند؛ برای مثال جان پیتیر ساسمیلیچ^۱ - که از وی به عنوان یکی از بنیان‌گذاران جمعیت‌شناسی یاد می‌شود - در سال ۱۷۴۱ بیان کرده بود که اگر خانواده‌ها به طور متوسط کمتر از چهار فرزند به دنیا بیاورند، نشان از پایین بودن باروری است (Livi Bacci, 2012:72). در خلال این سال‌ها نظریه‌های مختلفی درباره‌ی عوامل مؤثر در باروری منتشر شده است و عوامل بسیار گوناگونی از جمله ویژگی‌های جمعیت‌شناسی، جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فردی، هنجارهای اجتماعی، نگرش‌ها (Buber & Fliegenschnee, 2011:2) و حتی جنگ‌ها (Abu-Musa, 2008: 43-53) به عنوان عوامل مؤثر در باروری معرفی شده‌اند. هر چند در نظریه‌های مختلف بر مسائل گوناگونی به عنوان عوامل تأثیرگذار در باروری تأکید می‌شود، اما این نظریه‌ها را در مجموع می‌توان به دو گروه یا دو رویکرد تقسیم کرد. فریدمن و همکاران این نظریه‌ها را به دو گروه عمده، انتخاب عقلایی یا همان اقتصادی و رویکرد فرهنگی تقسیم می‌کنند (Friedman & et al, 1994: 375). جانسون و کالب این نظریه‌ها را به دو گروه نئوکلاسیکی و نهادی یا فمینیستی^۲ تقسیم می‌کنند (Johnson & Kalb, 2002: 8). در این مقاله نیز این نظریه‌ها را به دو گروه کلی اقتصادی و نهادی تقسیم شده است، زیرا عنوان

1. Johann Peter Süssmilch

2. Feminist

نهادی جامعیت بیشتری از عنوان فرهنگی یا فمینیستی دارد. همان‌طور که در ادامه نشان داده خواهد شد، در این دو رویکرد نیز نظریه‌های گوناگونی وجود دارد، به گونه‌ای که این رویکردها خود به چند بخش تقسیم می‌شوند و در تقسیم‌بندی این بخش‌ها نیز توافقی وجود ندارد؛ برای مثال بردسال، شولتز و کندیزا و زیمرمن^۱ تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از این نظریه‌ها ارائه می‌کنند، که در ادامه بررسی می‌شوند. در واقع یکی از دلایل اصلی نوشتن این مقاله نشان دادن همین تفاوت‌هاست، زیرا متأسفانه در بسیاری از مقالات فارسی از عناوینی مانند «نظریه‌ی اقتصاد باروری» یا «نظریه‌ی اقتصاد خرد باروری» نام برده می‌شود، که ترکیبی غلط از این نظریه‌هاست بدون توجه به اینکه این نظریه‌ها با هم تفاوت دارند.

از میان دو گروه کلی نظریه‌های اقتصادی و نهادی، در این مقاله نظریه‌های اقتصادی بررسی شده‌اند؛ لذا در ادامه، نخست نظریه‌های اقتصادی معرفی شده و سپس آراء اندیشمندان و اقتصاددانان پیشگام، مانند آدام اسمیت و مالتوس در موضوع باروری مرور می‌شود. در بخش بعدی نظریه‌های اقتصادی معاصر درباره‌ی باروری در قالب دو گروه عمده‌ی نظریه‌های کلان و نظریه‌های خرد پرداخته می‌شوند و سپس انتقادات وارد به رویکرد اقتصادی بررسی می‌شود.

1 . Kendzia, Michael J, Zimmermann, Klaus F

۲- نظریه‌های کلاسیک اقتصادی به موضوع باروری

۲-۱- رویکردهای اقتصادی کلاسیک

گری بکر در سخنرانی خود به هنگام دریافت جایزه‌ی نوبل اقتصاددانان، به این مسئله اشاره می‌کند که تحلیل مسئله‌ی باروری تاریخچه‌ی طولانی و پرافتخاری در رشته‌ی اقتصاد دارد (Becker, 1993: 395). نگاهی به آثار پیشگامان علم اقتصاد از جمله آدام اسمیت و مالتوس و ادامه‌ی نظریه‌پردازی اقتصاددانان درباره‌ی باروری تا عصر کنونی، نشان می‌دهد که سخنان بکر کاملاً درست است. گویانی به شش گروه از تبیین‌های اقتصادی اشاره می‌کند که از کاهش در مرگ و میر و اختراع وسایل پیشگیری تا افزایش هزینه‌ی فرزندان را شامل می‌شود (Guinnane, 2011: 589-9614). در ادامه به منظور بررسی دقیق‌تر رویکرد اقتصادی موضوع باروری ابتدا نظرات پیشگامان علم اقتصاد و سپس آراء اندیشمندان معاصر در این موضوع بررسی می‌شود.

در بررسی آراء اندیشمندان معاصر توجه به این نکته ضروری است که این نظریه‌ها به چند گروه عمده تقسیم می‌شوند. البته اختلاف نظر در میان اندیشمندان برای تقسیم‌بندی این نظریه‌ها زیاد است. در یکی از نخستین تلاش‌ها برای طبقه‌بندی این نظریه‌ها، فلوپ در یک تقسیم‌بندی دقیق این نظریه‌ها را به دو گروه خرد و کلان تقسیم می‌کند و نظریه‌های خرد را نیز به چند بخش تقسیم می‌کند (Fulop, 1977: 5-13). بردسال نیز این نظریه‌ها را به دو گروه خرد و کلان تقسیم‌بندی می‌کند (Birdsall, 1998) و شولتز نیز - که از اندیشمندان نامدار در این عرصه است - آنها را به دو

گروه مدل خرد و کلان تقسیم می‌کند (Schultz, 2008: 3250-3303)، اما در تقسیم‌بندی‌های متفاوتی یوسیک این نظریه‌ها را به دو گروه عمده تقسیم می‌کند؛ نظریه‌هایی که به خانواده به مثابه یک واحد اقتصادی^۱ می‌نگرند که اعضای آن تابع مطلوبیت مشترکی^۲ دارند و دیدگاهی که در آن زوجین تابع مطلوبیت جداگانه‌ای^۳ دارند و نوعی رابطه‌ی عشق به همراه چانه‌زنی در خانواده وجود دارد (Yoosik, 2011). در نهایت کندیزا و زیمرمن این نظریه‌ها را به سه گروه مالتوس^۴ و طرفدارانش، انتخاب عقلایی و خود تنظیمی^۵ تقسیم می‌کند (Kendiza & Zimmermann, 2012). گروهی دیگر از اندیشمندان مانند سندرسون، ماکونویچ و همچنین گیلیس و همکاران رویکردهای مختلف اقتصادی را به دو گروه نظریه‌های مبتنی بر نظرات بکر و استرلین و پیروان این افراد تقسیم می‌کنند (Sanderson, 1976: 496-477 و گیلیس و همکاران، ۱۳۷۹). از جمله اختلاف نظرهای میان بکر و استرلین این است که بکر سلايق را ثابت در نظر می‌گرفت، در حالی که ریچارد استرلین^۶ معتقد بود سلیقه در طول زمان ثابت نیست.

فارغ از مباحث پیشگامان علم اقتصاد درباره‌ی باروری، در این مقاله رویکردهای نوین اقتصادی به دو گروه کلان و خرد تقسیم می‌شوند، زیرا

-
1. One economic unit
 2. Common utility
 3. Separate utility functions
 4. Malthus
 5. Self-regulation
 6. Easterlin

تقسیم‌بندی رویکردها به خرد و کلان در مباحث اقتصادی امری متداول است و چندین اندیشمند نیز این تقسیم‌بندی را به کار گرفته‌اند. همچنین رویکرد خرد نیز به دو بخش مبتنی بر نظرات بکر و استرلین و پیروان این افراد تقسیم شده‌اند.

۲-۲- پیشگامان علم اقتصاد

آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ کتاب ثروت ملل را نوشت که از آن به عنوان مبنای شکل‌گیری رشته‌ی اقتصاد یاد می‌شود. بررسی این کتاب به خوبی این مسئله را تأیید می‌کند که اندیشمندان رشته‌ی اقتصاد از ابتدای شکل‌گیری این رشته به باروری و افزایش جمعیت توجه داشته‌اند. آدام اسمیت در این باره می‌نویسد: «هر یک از گونه‌های حیوانی با توجه به منابع معیشتی‌شان افزایش می‌یابند و هیچ گونه‌ای نمی‌تواند بیش از آن افزایش یابد، اما در جوامع متمدن تنها افراد فرودست جامعه هستند که مشکلات معیشتی، افزایش جمعیتشان را محدود می‌کند و این امر بیش از هر چیز به وسیله‌ی نابودی بخش بزرگی از بچه‌هایی روی می‌دهد که حاصل ازدواج این افراد است. افزایش پاداش نیروی کار این امکان را برای آنها فراهم می‌آورد که شرایط بهتری را برای فرزندان‌شان فراهم آورند و در نتیجه فرزندان بیشتری پدید آورند» (Smith, 1776: 116). در حالی که آدام اسمیت در کتاب خود به بحث جمعیت در حد اشاره بسنده می‌کند، مالتوس به مباحث جمعیتی کامل‌تر اشاره می‌کند (Malthus, 1766-1834) و به قول باربر «قانون جمعیت مالتوس نکته‌ای را که اسمیت به حالتی ناآراسته رها کرده بود، به وضع پرداخته‌ای درآورد و این

قانون به سهولت در جریان اندیشه کلاسیک جذب شد» (باربر، ۱۳۷۰: ۵۷).
باربر در ادامه بخشی از کتاب مالتوس را نقل و در آن قانون جمعیت خود را بیان می‌کند: «فکر می‌کنم به حق باشد اگر دو اصل زیر را ثابت شده بینگارم: نخست آنکه خوراک برای هستی انسانی ضروری است. دوم آنکه وجود کشش و خواهش میان زن و مرد ضروری است و تقریباً به حالت کنونی باقی خواهد ماند. پس اگر این دو اصل پذیرفته شود، می‌گویم که قدرت [افزایش] جمعیت بی‌نهایت بیشتر از قدرت زمین در تولید اسباب معیشت برای انسان است. جمعیت اگر به حال خود رها شود، به نسبتی هندسی افزایش می‌یابد، اسباب معیشت فقط به نسبتی عددی افزایش می‌یابد. اندکی آشنایی با اعداد نشان خواهد داد که قدرت نخست چه فزونی شگرفی بر قدرت دوم دارد» (Malthus, 1798: 6-7 به نقل از باربر، ۱۳۷۰: ۵۸). در واقع مالتوس معتقد بود که «اشتیاق جنسی میان افراد» باعث می‌شود جمعیت به شدت افزایش یابد به گونه‌ای که مواد غذایی کافی نباشد. در توضیح این فرآیند، وی معتقد بود وقتی که دستمزد کارگران بیش از سطح معیشتی آنها افزایش یابد، زودتر ازدواج می‌کنند و در نتیجه فرزندان بیشتری خواهند داشت، اما این وضعیت خوب معیشتی موقتی است. زیرا با افزایش جمعیت عرضه‌ی نیروی کار افزایش می‌یابد و با توجه به محدود بودن زمین و قانون بازده نزولی به تدریج دستمزدها به سطحی پایین‌تر از سطح معیشتی کاهش خواهد یافت. این فرآیند در بلند مدت منجر به قحطی و افزایش مرگ و میر می‌شود (گیلیس و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۹۹). وی از بلاهایی مانند قحطی، جنگ و

بیماری‌های واگیردار به عنوان «مهار مثبت» جمعیتی نام می‌برد که با از بین بردن افراد زیادی باعث محدود شدن جمعیت می‌شود. وی تنها در آخرین ویرایش کتاب خود بود که به امکان «مهاریهای پیشگیری»^۱ مانند افزایش سن ازدواج اشاره کرد. همچنین وی از کنترل زادوولد طرفداری نمی‌کرد، زیرا کشیش بود و این عمل را غیراخلاقی می‌دانست. گرچه با بی‌میلی قبول کرد که افراد ممکن است رشد جمعیت را داوطلبانه کنترل کنند، اما به این مسئله زیاد امیدوار نبود (همان، ۳۰۰-۲۹۹).

۳- رویکردهای نوین اقتصادی به موضوع باروری

چنان که گفته شد، رویکردهای نوین اقتصادی شامل دو گروه کلان و خرد تقسیم شده است و رویکرد خرد نیز به دو بخش مبتنی بر نظرات بکر و استرلین و پیروان این افراد تقسیم می‌شود، که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

۳-۱- رویکرد کلان

درباره‌ی این اصل که مالتوس پیشگام رویکرد کلان به موضوع باروری بوده، توافق عمومی وجود دارد (-Schultz, 2008: 32; Birdsall, 1988: 486). با این حال این رویکرد در مطالعات نوین هم جایگاه خود را دارد. جونز و دیگران به مطالعاتی اشاره می‌کنند که ارتباط باروری با متغیرهای اقتصاد کلان مانند مشارکت نیروی کار، ازدواج و نابرابری دستمزد میان زن

1. Preventive Checks

و مرد را بررسی می‌کنند (Jones & et al, 2010). در واقع، رویکرد کلان به باروری عوامل فردی و خانوادگی را به طور کامل نادیده می‌گیرد و باروری را پدیده‌ای تحت تأثیر عواملی مانند بهداشت، دستمزد و آموزش و فارغ از رویدادهای اقتصادی می‌داند. البته مدل مالتوس مدلی استثنائی در مدل‌های کلان است که در آن رفتار باروری با حوادث اقتصادی تطبیق داده می‌شود، زیرا در آن مدل ازدواج و باروری در شرایط خوب اقتصادی افزایش می‌یابد (Birdsall, 1998: 501). فلوپ در این باره می‌نویسد: «رویکردهای اخیر اقتصاد کلان به طور عمده به مطالعه‌ی رابطه میان باروری کل و متغیرهای مشخص اقتصادی مانند درآمد، دستمزد، تحصیلات، شهرنشینی و مشارکت نیروی کار می‌پردازند» (Fulop, 1977). در خلال سال‌های اخیر، مطالعات گوناگونی با این رویکرد در موضوع باروری انجام شده است؛ برای مثال جوان، رهيو و شیلدس به بررسی اثر تغییر در متغیرهایی مانند بهداشت و فقر در کشورهای آفریقایی را بررسی کرده‌اند (Jeon, Rhyu & Shields, 2010) و یا پرتنر، بلوم و استرولیک اثر تحصیلات و سلامت در باروری را بررسی کرده‌اند (Prettner, Bloom, 2013: 70-79) و ابوزاید به بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی مانند بدهی ملی، کسری بودجه و مالیات در باروری در آمریکا را بررسی کرده است (Salem Abo-Zaid, 2013). از دیگر تبیین‌های اقتصادی می‌توان به نوآوری‌های انجام شده در زمینه‌ی وسایل پیشگیری و همچنین گسترش توزیع این وسایل اشاره کرد (Guinnane, 2011: 598). در واقع هر چند استفاده کردن یا استفاده نکردن از این وسایل را می‌توان تصمیمی در سطح خانوار دانست، اما اختراع

و گسترش توزیع این وسایل را می‌توان متغیری کلان در نظر گرفت. مثال‌های فراوان دیگری در این باره می‌توان یافت که در آن محققان اثر سایر متغیرهای اقتصاد کلان مانند دستمزد، شهرنشینی و فرصت‌های آموزشی و کار در باروری را بررسی کرده‌اند.

همچنین باید به این نکته توجه کرد، که بخشی از مطالعات کلان درباره‌ی باروری به بررسی عوامل مؤثر در باروری و تحولات آن را بررسی نمی‌کند، بلکه اثرات افزایش یا کاهش باروری و رشد جمعیت را در متغیرهای اقتصادی، مانند رشد اقتصادی و درآمد سرانه بررسی می‌کند؛ از آن جمله می‌توان به کوکسیا و استرولیک و دیگران اشاره کرد (Coccia, 2014: 52-56; Strulik & et al, 2013: 411-437). در واقع متغیر رشد جمعیت همواره یکی از متغیرهای مهم در مدل‌های رشد اقتصادی بوده است و حتی در قرن حاضر نیز نقش مهمی در تبیین رشد اقتصادی کشور دارد.

با این حال بخش عمده‌ای از مطالعات اقتصادی درباره‌ی باروری مبتنی بر رویکرد اقتصاد خرد است که در ادامه بررسی می‌شوند.

۳-۲- رویکرد خرد

نظریه‌های خرد تلاشی برای درک تعیین‌کننده‌های باروری و نتایج آن به عنوان فرآیند تصمیم‌خانوادگی است و تلاش می‌شود تأثیر عوامل بیرونی مانند برنامه‌ی تنظیم خانواده در این فرآیند تصمیم‌گیری درک شود (Schultz, 2008: 3252-3253). همان‌طور که اشاره شد، گروهی از اندیشمندان مانند سندرسون، ماکونویچ و همچنین گیلیس و همکاران رویکردهای مختلف

اقتصادی را به دو گروه نظریه‌های مبتنی بر نظرات بکر و استرلین و پیروان این افراد تقسیم می‌کنند. سایر اندیشمندانی نیز که این تقسیم‌بندی را انجام نداده‌اند، در بررسی رویکردهای اقتصادی به موضوع باروری به مباحث بکر و استرلین اشاره کرده‌اند؛ لذا در ادامه، نخست آراء این دو اندیشمند و سپس آراء لیبنشتاین^۱ - از دیگر اندیشمندان مطرح در این باره - تبیین می‌شوند.

۴- نظریه‌های اقتصادی نوین در موضوع باروری

۴-۱- گری بکر

گری بکر استاد دانشگاه شیکاگو - برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد - از پیشگامان تحلیل اقتصاد باروری است. اندیشمندان دیگری از دانشگاه شیکاگو مانند ویلیس^۲ و بن-پرات^۳ بعدها تحقیقات وی در موضوع باروری را بعدها دنبال کردند به گونه‌ای که از این تحقیقات تحت عنوان مکتب شیکاگو در باروری یاد می‌شود (Fulop, 1977:6). فرض اصلی نظریه‌ی بکر این است که کودکان برای والدین مانند کالاهای مصرفی با دوام^۴ هستند. از سوی دیگر خانواده به مثابه یک کل تلاش می‌کند تا کالاهای بیشتری اعم از فرزندان و سایر کالاها را با توجه به بودجه‌ی محدود خود مصرف کند. در این حالت مطلوب خانواده عبارت از مطلوب حاصل از مصرف فرزندان و دیگر کالاهاست (Ibid:7). به عبارت دقیق‌تر، کالاهایی که زوجین می‌توانند

-
1. Leibenstein
 2. Willis
 3. Ben-Porath
 4. Consumer Durable Goods

بخرند، عبارت است از: تعداد فرزند زنده، کیفیت بچه (شامل سلامت و آموزش)، کالاهای متداول و خدمات (گیلیس و همکاران، ۱۳۷۹: ۳۰۴). در این مدل محدودیت‌های خانواده‌ها، زمان و هزینه‌ی خرید کالاها و خدمات است (Fulop, 1977: 6). بر اساس این مدل، بکر می‌کوشد مسئله‌ی کاهش باروری را تبیین کند. به اعتقاد وی هزینه‌ی فرزندان در دنیای کنونی در حال افزایش است؛ به ویژه به این دلیل که هزینه‌ی فرصت والدین در حال افزایش است و به بیان دیگر زمانی که صرف بچه‌داری می‌شود، در حال حاضر ارزش بیشتری از گذشته دارد. وی همچنین به این نکته اشاره می‌کند که گسترش وسایل پیشگیری از حاملگی نیز در کاهش باروری مؤثر بوده است و با توجه به افزایش هزینه‌ی کیفیت بچه‌ها یا به عبارت دیگر هزینه‌ای که باید صرف آموزش، بهداشت و سایر موارد شود، در حال حاضر بسیاری از والدین با سرمایه‌گذاری زیاد در کودکان مخالف هستند و حاضرند پول زیادی را برای داشتن فرزندان کمتر هزینه کنند (گیلیس و همکاران، ۱۳۷۹: ۳۰۴).

به نظر فلوپ بر اساس این مدل با توجه به افزایش ارزش وقت زنان، خانواده‌ها ترجیح می‌دهند که فرزندان کمتر با کیفیت بیشتر داشته باشند (Fulop, 1977:7). منظور از فرزند با کیفیت نیز بچه‌ای سالم است که خوب تحصیل می‌کند و سایر خصوصیات خوب را دارد. همچنین بکر معتقد است افزایش درآمد باعث تغییر در کشش تعداد فرزندان و کیفیت فرزندان می‌شود، اما تغییر در کشش تعداد بیشتر است. بنابراین ثروتمندان تعداد فرزندان کمتر با کیفیت بالا و فقرا فرزندان بیشتر با کیفیت پایین‌تری دارند.

۴-۲- ریچارد استرلین

ریچارد استرلین کارهای زیادی درباره‌ی جمعیت انجام داد و در مجموع دو نظریه درباره‌ی باروری مطرح کرد. نخست نظریه‌ی «درآمد نسبی»^۱ که انفجار جمعیتی در آمریکا پس از جنگ جهانی دوم را توضیح می‌دهد و دیگری «آستانه‌ی تنظیم جمعیت»^۲ که رفتار جمعیتی در کشورهای در حال توسعه را تبیین می‌کند (Fulop, 1977: 9).

۴-۲-۱- نظریه‌ی درآمد نسبی

استرلین این نظریه را در قالب دو مقاله مطرح کرده است (Easterlin, 1969, b). وی به این نکته اشاره می‌کند که جوانان امروز، چند سال قبل، اعضای وابسته در خانه‌ی والدینشان بودند. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که فرض کنیم سطح مصرف تجربه شده در خانه‌ی والدینشان ترجیحات کنونی آنها برای کالاها را شکل داده باشد. وی با بررسی وضعیت درآمدی زوج‌های جوان، در بعد و قبل از جنگ جهانی دوم در آمریکا نشان می‌دهد که زوج‌های جوان پس از جنگ جهانی دوم در موقعیت بهتری برای دستیابی به سطح مصرف مورد علاقه‌شان هستند و این مسئله به آنها اجازه می‌دهد که کودکان بیشتری داشته باشند، امری که به انفجار زادوولد در دهه‌ی ۱۹۶۰ در آمریکا منجر شد. وی همچنین محدودیت‌های مالی که کودکان و نوجوانان در دهه‌ی ۱۹۶۰ تجربه کردند را علت کاهش باروری در دهه‌های بعد می‌داند

1. Relative income

2. Threshold of regulation

(Folup, 1977:9). نکته‌ی تأمل‌برانگیز در این تحلیل این است که بر اساس آن سلايق در طول زمان تغيير می‌کند، امری که بکر به آن اعتقاد نداشت.

۴-۲-۲- آستانه‌ی تنظیم جمعیت

استرلین در دو مقاله که در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ با عنوان مشابه «اقتصاد و جامعه‌شناسی باروری: یک سنتز»^۱ منتشر کرد، نظریه‌ی عمومی‌تری را درباره‌ی جمعیت منتشر کرد. نظریه‌ای که به «مدل سنتز»^۲ نیز معروف است، زیرا بحث تقاضا محور اقتصادی را با مباحث عرضه‌ی فرزند (تولید مثل) که در جمعیت‌شناسی مطرح می‌شود، ترکیب می‌کند. جنبه‌ی دیگر سنتز مدل وی، بحث سلیقه است که در آن اقتصاد و جامعه‌شناسی را ترکیب می‌کند. در واقع وی با توجه به مباحث جامعه‌شناسی به درونزا بودن سلیقه هم اشاره می‌کند، امری که در تضاد با مدل اقتصادی است و مطلوبیت تحت تأثیر درآمد و قیمت است (Birdsall, 1978: 506). در مدل استرلین سلیقه در طول زمان و به طور درونزار تغییر می‌کند.

در مدل استرلین سه متغیر اساسی وجود دارد که عبارت از تقاضا برای فرزند، عرضه‌ی فرزند و هزینه و موانع تنظیم خانواده است (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). تقاضای کودکان تحت تأثیر درآمد، قیمت کودکان نسبت به سایر کالاها و ترجیحات ذهنی برای کودکان در مقایسه با دیگر کالاهاست. عامل دیگری که در تولید مثل اثر می‌گذارد، عرضه‌ی طبیعی کودکان است که به باروری

1. The Economics and Sociology of Fertility, A Synthesis

2. The Synthesis Model

طبیعی و چشم‌انداز رسیدن کودکان به بزرگسالی بستگی دارد. در نهایت اینکه هزینه‌ی تنظیم باروری^۱ شامل هزینه‌های روانی و هزینه‌های بازاری است. هزینه‌های روانی مانند ناراضایتی ناشی از ایده یا عمل کنترل باروری و هزینه‌های بازاری شامل هزینه‌ی مالی و زمانی استفاده از روش‌های جلوگیری از باروری است. البته به اعتقاد استرلین استفاده از روش‌های جلوگیری از باروری بیش از آنکه تحت تأثیر هزینه باشد، تحت تأثیر انگیزه است (Floupy, 1977: 9).

۳-۴- هاروی لیبنشتاین

لیبنشتاین نگاهی انتقادی به فرض عقلانیت کامل و حداکثر کردن سود و مطلوبیت در اقتصاد دارد و معتقد است نظرات سایمون در مورد نبود عقلانیت کامل و پیروی، رویه‌ای درست است؛ برای مثال وی می‌نویسد: «برای هدف بحث ما... فرض می‌کنیم که برخی از افراد از رویه‌هایی استفاده می‌کنند که ممکن است از نگاه افراد بیرونی غیر بهینه^۲ باشد» (Leibenstein, 1981: 384). البته تفاوت نظریه‌ی لیبنشتاین از سایر نظریه‌های اقتصاد خرد، محدود به این انتقاد نیست. وی اعلام صریح می‌کند که برخلاف تئوری‌های متداول اقتصادی (مانند نظریه‌ی بکر) کودک را یک کالای مصرفی بادوام در کنار سایر کالاها در نظر نمی‌گیرد و همچنین می‌کوشد تئوری جدیدی

1. Fertility Regulation

2. Non-optimal

از مصرف مبتنی بر توجه به جایگاه اجتماعی^۱ افراد ارائه کند، که نگرشی انتقادی به تبیین‌های مبتنی بر هزینه‌ی مطلوبیت بچه^۲ است (Ibid, 1975: 1-2). در واقع وی معتقد است، جامعه به گروه‌های با پایگاه‌های اجتماعی متفاوت تقسیم می‌شود، که سلاقی متفاوتی دارند و ممکن است میزان علاقه‌ی آنها به بچه نیز متفاوت باشد. همچنین جایگاه افراد به وسیله‌ی طیف گسترده‌ای از عوامل از ثروت، تحصیلات، شغل تا محل سکونت، قدرت سیاسی و غیره مشخص می‌شود (Ibid: 3-5). به نظر لیبنشتاین سبک زندگی^۳ نیز در تعیین جایگاه مهم است؛ لذا وی میان کالاها و هزینه‌های عادی و کالاها و هزینه‌های جایگاه (سبک زندگی)^۴ تفاوت قائل می‌شود و تأکید می‌کند در مدلش جایگاه افراد به وسیله‌ی سه عامل شغل، تحصیلات و اموال بادوام مصرفی مشخص می‌شود (Ibid: 5). وی همچنین یادآور می‌شود که افراد تمایل به حفظ یا ارتقای جایگاه خود دارند و برای آن تلاش می‌کنند؛ از جمله‌ی این تلاش‌ها هزینه‌ی زیادی است که آنها برای هزینه‌ی جایگاهی انجام می‌دهند که با ارتقاء جایگاه افراد نیز افزایش می‌یابد. لیبنشتاین همچنین میان چهار نوع کالا تفاوت قائل می‌شود، که عبارت‌اند از: کالاهای مصرفی بادوام، کالاهای تعهدی^۵ - که در صورت مصرف، شخص متعهد به پرداخت

-
1. Social status
 2. Utility cost of children
 3. Life style
 4. Status (or life style) goods and expenditures
 5. Commitment goods

هزینه برای آن تا مدتی است، کالاهای (سبک زندگی) و کالاهای هدف^۱ - که باید برای آن هزینه‌ی مشخصی پرداخت و کمتر از آن فاقد هرگونه مطلوبیتی است؛ برای مثال هزینه‌ی خرید اتومبیل ۱۰۰۰ دلار است؛ لذا با پرداخت صد دلار نمی‌شود آن را خرید، یا کسب مطلوبیت کرد (Ibid: 7-8). لیبنشتاین فرزند را جزء کالاهای تعهدی به حساب می‌آورد که پدر و مادر متعهد به پرداخت هزینه برای آن در یک دوره‌ی زمانی هستند.

لیبنشتاین با تکیه بر مباحث خود دو مسئله را تبیین می‌کند، اینکه چرا خانوارهای ثروتمند فرزند کمتری دارند و چرا در فرآیند توسعه رشد جمعیت کاهش می‌یابد. به اعتقاد وی افراد در جایگاه بالاتر هزینه‌ی بیشتری را صرف کالاهای جایگاهی می‌کنند؛ لذا با محدودیت برای هزینه در سایر کالاها از جمله بچه که یک کالای تعهدی است، روبه‌رو هستند. به همین دلیل بچه‌ی کمتری دارند. در فرآیند توسعه و ارتقاء جایگاه افراد، نیز این تغییر، در مصرف کالاها اتفاق می‌افتد و لذا رشد جمعیت کاهش می‌یابد.

۵- تحقیقات اقتصادی اخیر در موضوع باروری

در سال‌های اخیر تحقیقات گوناگونی با رویکرد اقتصاد خرد انجام شده است. این تحقیقات را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. نخست تحقیقاتی که نظریه‌ی بکر، استرلین یا لیبنشتاین را بررسی کرده‌اند همچون مانکویچ (۱۹۹۸)؛ گروه دوم تحقیقاتی که با بررسی انتقادی نظریه‌های سابق و ارائه‌ی مباحث جدید، می‌کوشند نظریه‌های سابق را اصلاح کنند، یا نظریه‌ی جدیدی

1. Target goods

ارائه دهند، مانند آنچه مدل‌های ریسک نامیده می‌شود و اولین بار در سال ۱۹۸۴، نیومن و مک کوالوچ^۱ (۱۹۸۴) آن را مطرح کردند و بر مباحثی مانند زمان‌بندی تولد بچه^۲ و سایر تصمیمات مؤثر در باروری مانند مدت تحصیل زنان و سن ازدواج تأکید می‌کنند (Gustafsson & kalwiz, 2006: 42).

نقد رویکرد اقتصادی موضوع باروری

با وجود گسترش تبیین‌های اقتصادی از باروری، انتقاداتی نیز به آنها وارد است. مهم‌ترین انتقادات به این نظریه‌ها در خصوص نادیده گرفتن عوامل مختلف، از عشق تا فرهنگ در این تبیین‌هاست. با این حال اندیشمندان طرفدار تبیین‌های اقتصادی نیز پاسخ‌هایی به این انتقادات می‌دهند، برای مثال ماکونویچ در این باره می‌نویسد: «مهم است به یاد آوریم که رویکرد اقتصادی منکر توجه به مسائلی مانند عشق میان والدین و عشق آنها به فرزندانشان، توجه به فضیلت فرزندان و اهمیت پیوندهای خانوادگی نیست. بلکه فارغ از این عوامل - که معمولاً به عنوان عناصر ترجیحات افراد در زمینه‌ی فرزندان هستند - تحلیل و تلاش می‌کند اثرات تغییر در شرایط اقتصادی را با فرض ثابت بودن سایر عوامل تخمین بزند (Macunvich, 2003: 161). البته وی تصویر دقیق‌تری از این عوامل غیر اقتصادی مؤثر در کاهش باروری ارائه می‌کند و می‌نویسد: «بسیاری از این عوامل را می‌توان ذیل عنوان «تغییر ارزش‌ها» دانست، که عبارت‌اند از: رشد فردگرایی، کاهش ارزش‌های مذهبی

1. Newman and McCulloch

2. The timing of births

و نرخ ازدواج، افزایش مادی‌گرایی در یک جامعه‌ی مصرفی (البته این عامل را می‌توان اقتصادی هم دانست)، پیشرفت وسایل جلوگیری از بارداری، نگرانی محیطی و افزایش علاقه به کیفیت بچه‌ها به جای کمیت» (Ibid: 159). همان‌طور که مشاهده می‌شود، برخی از این عوامل که ماکونویج به آن اشاره می‌کند، همان ارزش‌ها و عرف جامعه هستند که نهادگرایان از آنها به عنوان نهادهای غیررسمی یاد می‌کنند و کنار گذاشتن آنها هنگام تحلیل در واقع به معنی کنار گذاشتن نهادها هنگام تحلیل مسئله‌ی باروری است.

واقعیت آن است که اشتباه کنار گذاشتن نهادها از تحلیل‌های اقتصادی، دو قرن پیش در جریان کلی اقتصاد نیز روی داد و اندیشمندان کلاسیک با فرض ثبات سایر شرایط کوشیدند مسائل گوناگون را تحلیل کنند. شومپتر در این باره یادآور می‌شود که اندیشمندان کلاسیک به اهمیت نهادها واقف بودند، اما «دردسر تصریح جزئیات چارچوب نهادی که مد نظرشان بود را متحمل نمی‌شدند و آنها را مفروض در نظر می‌گرفتند» (Schumpeter, 1981: 518). در واقع، به نظر شومپتر مسائل نهادی از دید افرادی مانند ریکاردو خارج نبود، بلکه تمایلی به تحلیل آنها نداشتند، اما گذشت زمان نشان داد که نادیده گرفتن نهادها در هنگام تحلیل مسائل اشتباه بوده است و در حال حاضر نه تنها توجه به نهادها در رشته‌ی اقتصاد گسترش یافته، بلکه در سایر رشته‌های علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و جغرافیا نیز توجه به نهادها افزایش یافته است (Hodgson, 2006: 1). البته این توجه تنها مختص به مراکز علمی نیست و حتی پیشگامان حذف نهادها در عرصه‌ی

سیاست‌گذاری، یعنی سازمان‌هایی همچون بانک جهانی، اکنون به بحث نهادها توجه خاصی نشان می‌دهند (Jameson, 2006: 369). درباره‌ی تحلیل باروری با تأکید بر نهادها نیز تحقیقات گوناگونی انجام شده است، که از آن جمله می‌توان به مک نیکول^۱ (۱۹۸۰ و ۱۹۹۴)، مک دونالد^۲ (۲۰۰۰)، لاندبرگ و پولاک (۲۰۰۷) و بهاچاتاریا و چاکرابورتی (۲۰۱۲) اشاره کرد.

در توضیح بیشتر رویکرد نهادی باید گفت، اقتصاد نهادی قدیم با نوشته‌های افرادی مانند ویلن^۳، کامونز^۴، میچل^۵ و سایر پیروان آنها آغاز شد. نهادگرایان اولیه که جریانی انتقادی نسبت به اقتصاد نئوکلاسیک بودند، نظرات مشترکی داشتند که عبارت‌اند از: تأکید بر عمل جمعی بیش از عمل فردی، بررسی تکاملی اقتصاد به جای بررسی‌های مکانیکی و تأکید بر مشاهدات تجربی به جای استدلال‌های قیاسی (Klein, 1999: 456). همچنین مفهومی که آنها از نهاد مد نظر داشتند، بسیار شبیه جامعه‌شناسان بود؛ برای مثال ویلن از کلماتی همچون عادات، رسوم و عرف برای اشاره به مفهوم نهاد استفاده می‌کرد (Ranson, 2007: 244). نهادگرایی قدیم در فاصله‌ی میان دو جنگ جهانی رو به افول نهاد (Rutherford, 2001: 182)، با این حال، نحله‌ی دیگری از نهادگرایان ایده‌های آنها را پیگیری کردند که به نهادگرایان جدید معروف‌اند. این نهادگرایان با وجود تأکید بر اهمیت نهادها

-
1. McNicoll
 2. Macdonald
 3. Thorstein Veblen
 4. John R. Commons
 5. Wesley C. Mitchell

همراهی بیشتری با جریان مرسوم اقتصاد دارند و چند تن از آنها نیز تاکنون برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد شده‌اند. کلاین در توضیح اقتصاد نهادی جدید^۱ می‌گوید: «اقتصاد نهادی جدید، رشته‌های اقتصاد، حقوق، نظریه‌ی سازمان، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی را ترکیب می‌کند، تا درک مناسبی از نهادهای اجتماعی، سیاسی و بازرگانی ارائه دهد. اقتصاد نهادی همچنین آزادانه از رشته‌های مختلف علوم اجتماعی وام می‌گیرد، ولی زبان اصلی آن اقتصاد است. هدف اقتصاد نهادگرای جدید، این است که توضیح دهد نهاد چیست؟ چگونه به وجود می‌آید؟ برای چه اهدافی سودمند است؟ چگونه تغییر می‌کند و چطور اصلاح می‌شود» (Klein, Ibid). این اندیشمندان بر تأثیر فرهنگ، تاریخ و ایدئولوژی در رفتار افراد تأکید می‌کنند و بررسی این اثرات را برای درک تحولات در حوزه‌های گوناگون الزامی می‌دانند.

بی شک، در این مقاله فرصت بررسی تمام مباحث اقتصاد نهادی مقدور نیست، اما برای درک بهتر این مسئله می‌توان به بحث داگلاس نورث^۲ - برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۳- اشاره کرد. نورث بحث درباره‌ی لزوم توجه به نهادها را با انتقاد از فروض اطلاعات کامل و عقلانیت ابزاری اقتصاد نئوکلاسیک همراه می‌کند و معتقد است: «در واقع، اطلاعات ناقص است و ظرفیت ذهن بشری برای پردازش اطلاعات محدود است» (North, 2000: 17). بر این اساس نورث با کنار گذاشتن فرض عقلانیت کامل

1. New institutional Economic

2. Douglass North

که از فروض اساسی اقتصاد مرسوم است و باعث بی توجهی اقتصاد مرسوم به عواملی مانند فرهنگ، ایدئولوژی، عرف و غیره می شود، بر نقش نهادها در تبیین رفتار افراد تأکید می کند. امری که وجه تمایز بسیار مهم رویکرد نهادی با رویکرد اقتصادی است.

یافته‌های جدید علوم شناختی نیز این مسئله را آشکار می کند که فرض عقلانیت کامل در اصل اشتباه بوده است. در توضیح بیشتر علوم شناختی، باید گفت در تئوری‌های قدیمی عمل فکر کردن، به ذهن نسبت داده می شد و ذهن به عنوان نوعی کارگزار غیرفیزیکی که در درون مغز قرار داشت، تعریف می شد. در مقابل علوم شناختی فکر کردن را فرآیندی می دانند که در مغز صورت می پذیرد و ذهن را به عنوان عمل مغز تعریف می کنند (Melser, 2004: 2). در واقع علوم شناختی علمی میان رشته‌ای است که به مطالعه‌ی شناخت و نقش آن در کارگزاران هوشمند می پردازد. همچنین علوم شناختی به بررسی این مسئله می پردازد که شناخت چیست؟ چه چیزی انجام می دهد و چگونه کار می کند؟ (Bechtel, Abrahamsen & Graham, 1999: 3). یکی از رشته‌هایی که انقلاب شناختی تأثیر شگرفی در آن داشت، رشته‌ی اقتصاد است. اقتصاد شناختی^۱، اقتصاد آزمایشگاهی^۲، اقتصاد رفتاری^۳ و اقتصاد مبتنی بر عصب‌شناسی^۴ رویکردهایی بودند که علی‌رغم نام‌های متفاوتی که دارند،

-
1. Cognitive economics
 2. Experimental economics
 3. Behavioural economics
 4. Neuroeconomics

همگی از انقلاب شناختی تأثیر پذیرفتند و گسترش در آنها به حدی بود، که اندیشمندان اقتصاد آزمایشگاهی و اقتصاد رفتاری، موفق به دریافت جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۲ شدند. مطالعات در این شاخه‌های علم اقتصاد، نشان می‌دهد که رفتار افراد با تبیین‌های ارائه شده در اقتصاد نئوکلاسیک، هم‌خوانی ندارد. افراد دارای عقلانیت کامل ندارند، همواره گزینه‌ای که سود را حداکثر می‌کند، انتخاب نمی‌کنند و عوامل مختلفی در تصمیم‌گیری آنها اثر می‌گذارد، که به آن در اقتصاد نئوکلاسیک توجه نمی‌شود.^۱

در واقع، مباحث رویکرد نهادی و همچنین رویکرد شناختی، همگی بر این مسئله دلالت می‌کنند که افراد عقلانیت کامل ندارند و در تحلیل رفتار افراد باید به عواملی مانند فرهنگ، ایدئولوژی، عرف و غیره - که نهادگرایان آنها را ذیل عنوان نهاد تعریف می‌کنند - توجه کرد. امری که در تحلیل باروری نیز باید به آن توجه شود. البته این انتقادات به معنی کنار گذاشتن مطالعات اقتصادی در موضوع باروری نیست. حتی خود نهادگرایان نیز چنین هدفی را دنبال نمی‌کنند؛ برای مثال نورث در این باره می‌نویسد: «اقتصاد نهادی کوششی برای الحاق تئوری نهادها به علم اقتصاد است، اما برخلاف بسیاری از تلاش‌های اخیر که برای براندازی یا جایگزینی نظریه‌ی نئوکلاسیک انجام شده است، اقتصاد نهادی جدید، بر اساس آن ساخته شده است و درصدد اصلاح و گسترش نظریه‌ی نئوکلاسیک است، تا به آن اجازه دهد که طیف

۱. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به:

Camerer, Colin F, (2012) Behavioral Economics, in Behavioral Economics: A New Horizon, edited by, Krishna Kishore Puranam, Ravi Kumar Jainb, The Icfai University Press, pp 35-79

وسیعی از مسائل را که پیش از این خارج از دید آن بود، درک و به آنها رسیدگی کند (North, 2000: 19). رونالد کوز از دیگر برندگان جایزه‌ی نوبل اقتصاد نیز نظر مشابهی در این مورد دارد و می‌گوید: «ما خواهان جایگزینی برای نظریه‌ی قیمت (عرضه و تقاضا) نیستیم، بلکه می‌خواهیم چیزهایی را در آن لحاظ کنیم که آن را مفیدتر کند» (Coase, 1999: 5).

در واقع هدف از مطرح کردن مباحث نهادی در خصوص باروری این است که با استفاده از این نظریه‌ها و توجه به عواملی که این نظریه‌ها به عنوان عوامل مؤثر در باروری معرفی می‌کنند (مانند عرف، ارزش‌ها، هنجارها) و تلفیق آنها با نظریه‌های اقتصادی بتوان به چارچوب تحلیلی بهتری دست یافت، نه اینکه نظریه‌های اقتصادی را کنار گذاشت.

بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت موضوع باروری موجب شد که اندیشمندان اقتصادی از زمان بنیان‌گذاری علم اقتصاد توجه ویژه‌ای به باروری داشته باشند. چنان‌که اشاره شد، در کتاب مشهور ثروت ملل آدام اسمیت نیز مسئله‌ی باروری تبیین شده است. از آن زمان تاکنون تحلیل‌های اقتصادی گوناگونی درباره‌ی باروری ارائه شده است.

اندیشمندان مختلف نظریه‌های اقتصادی را به شیوه‌های گوناگونی تقسیم‌بندی کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به تقسیم‌بندی کندیزا و زیمرمن اشاره کرد. ایشان این نظریه‌ها را به سه گروه مالتوس و طرفدارانش، انتخاب

عقلایی و خود تنظیمی تقسیم می‌کنند. سندرسون^۱، ماکونویچ^۲ و همچنین گیلیس و همکاران^۳ نیز رویکردهای مختلف اقتصادی را به دو گروه نظریه‌های مبتنی بر نظرات بکر و استرلین و پیروان این افراد تقسیم می‌کنند. با این حال، طبق بررسی انجام شده در این مقاله، تقسیم‌بندی این نظریه‌ها به دو گروه خرد و کلان که اندیشمندانی مانند فلوپ^۴، بردسال^۵ و شولتز^۶ انجام داده‌اند، بهترین تقسیم‌بندی در این باره است. زیرا در حالی که نظریه‌های کلان فقط به بررسی اثر سایر متغیرها در باروری می‌پردازند، در نظریه‌های خرد، رفتار افراد در این باره تحلیل می‌شود. البته باید به این نکته نیز توجه کرد که فارغ از تفاوت‌های میان نظریه‌های خرد و کلان، این نظریه‌ها کلیت واحدی نیستند؛ برای مثال اندیشمندانی که با تکیه بر رویکرد خرد باروری را تحلیل می‌کنند، هر یک به عوامل مختلفی اشاره می‌کنند، نگاهی به تحلیل‌های متفاوت بکر و لیبنشتاین به خوبی این مسئله را آشکار می‌کند.

پیشگام رویکرد کلان، مالتوس است. این رویکرد به طور کامل عوامل فردی و خانوادگی را نادیده می‌گیرد و باروری را پدیده‌ای تحت تأثیر عواملی مانند درآمد، بهداشت، آموزش، شهرنشینی، مشارکت نیروی کار و فارغ از رویدادهای اقتصادی می‌داند. البته مدل مالتوس مدلی استثنایی در مدل‌های

1. Sanderson, (1976)
2. Macunovich, (2003)
3. et al(1379)
4. Fulop (1977)
5. Birdsall (1988)
6. Schultz (2008)

کلان است که در آن به تطبیق رفتار باروری با حوادث اقتصادی اشاره می‌شود. همچنین بخشی از مطالعات کلان درباره‌ی باروری عوامل مؤثر در باروری و تحولات آن را بررسی نمی‌کند، بلکه اثرات افزایش یا کاهش باروری و رشد جمعیت را در متغیرهای اقتصادی، مانند رشد اقتصادی و درآمد سرانه بررسی می‌کند.

در مورد رویکرد خرد نیز باید گفت، نظریه‌های خرد تلاشی برای درک تعیین‌کننده‌های باروری و نتایج آن به عنوان فرآیند تصمیم‌خاندادگی است و بر این اساس تلاش می‌شود تأثیر عوامل بیرونی مانند برنامه‌ی تنظیم خانواده بر این فرآیند تصمیم‌گیری درک شود. همچنین در رویکرد خرد می‌توان به دو جریان عمده که بکر از یک‌سو و استرلین از سوی دیگر بنا نهاده‌اند، اشاره کرد. در حالی که ماهیت نظریه‌ی بکر اقتصادی صرف است، در مقابل استرلین و به میزان بیشتری لیبنشتاین تلاش می‌کنند به سایر عوامل، از جمله عوامل اجتماعی نیز توجه کنند. همچنین در خلال سال‌های اخیر گروهی از اندیشمندان تلاش کرده‌اند با اصلاح نظریه‌های سابق یا ارائه نظریه‌های جدید به سایر عوامل مؤثر در تصمیمات افراد نیز توجه کنند؛ از آن جمله می‌توان به مدل‌های ریسک اشاره کرد که نیومن و مک کوالوچ^۱ برای اولین بار در سال ۱۹۸۴ مطرح کردند و بر مباحثی مانند زمان بندی تولد بچه^۲ و سایر تصمیمات مؤثر در باروری مانند مدت تحصیل زنان و سن ازدواج تأکید می‌کنند.

1. Newman and McCulloch

2. The timing of births

همچنین انتقادات مهمی به نظریه‌های اقتصادی به طور عام و از جمله نظریه‌های اقتصادی درباره‌ی باروری وجود دارد که یکی از مهم‌ترین موارد آن نادیده گرفتن نقش نهادهاست. در واقع در حالی که طرفداران نظریه‌های اقتصادی باروری اذعان دارند که عوامل مختلفی از عشق تا ارزش‌ها در باروری اثر گذارند، اما بیان می‌کنند که آنها با فرض ثابت در نظر گرفتن این عوامل قصد تحلیل این پدیده را دارند. امری که اشتباه بودن آن مدت‌هاست که به اثبات رسیده است.

در واقع مطالعات گوناگون نهادگرایان و اندیشمندان علوم شناختی نشان می‌دهد، که فرض عقلانیت کامل که سنگ بنای رویکرد اقتصادی است، فرض درستی نیست. بنابراین در تحلیل رفتار افراد باید به عواملی مانند فرهنگ، ایدئولوژی، عرف و غیره که نهادگرایان آنها را ذیل عنوان نهاد تعریف می‌کنند، توجه کرد. امری که در تحلیل باروری نیز باید بدان توجه شود. در واقع بررسی‌های گوناگون نشان داده‌اند که نهادها نقش مهمی در باروری دارند، این در حالی است که تحلیل‌های اقتصادی از این مسئله غافل‌اند؛ لذا لازم است اندیشمندان اقتصادی در نظریه‌های باروری‌شان به نقش نهادها بیشتر توجه کنند.

منابع

- ◀ باربر، ویلیام جی ۱۳۷۰. *سیر اندیشه‌ی اقتصادی، ترجمه‌ی حبیب ا. تیموری، جامعه و اقتصاد.*
- ◀ حسینی، حاتم ۱۳۹۰. *جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.*
- ◀ گیلیس، مالکوم، دوايت اچ. پرکینز، مایکل رومر و داند آر. اسنودگراس ۱۳۸۵. *اقتصاد توسعه، ترجمه‌ی غلامرضا آزاد ارملی، تهران، نی.*
- Abo-Zaid, Salem (2013). *The Effects of Macro-economic Aggregates on Fertility Decisions: Evidence from U.S. Annual Data, Working paper, Department of Economics, Texas Tech University.*
- Abu-Musa, Antoine. «Effect of war on fertility: a review of the literature, Ethics», *Bioscience and Life*, Vol. 3, No, 2, (2008).
- Bechtel, William, Adele, Abrahamsen, George, Graham, (1999). *The Life of Cognitive Science*, in: *Blackwell Companion to Cognitive Science*
- Becker, Gary S. «Nobel Lecture: The Economic Way of Looking at Behavior, *The Journal of Political Economy*, Vol. 101, No. 3, (1993).
- Birdsall, Nancy, (1988). *Economic Approaches to Population Growth, Hand Book of Development Economics, Vol. I, Elsevier*
- Bhattacharya, Joydeep & Shankha Chakraborty, «Fertility choice under child mortality and social norms», *Economic Letters*, Vol. 115, (2012).
- Buber, Isabella & Katrin, Fliegenschnee, (2011). *Are you ready for a*

- Child?* Methodological Triangulation on Fertility Intentions in Austria, Vienna Institute of Demography, Austrian Academy of Sciences
- Coase, Ronald. «The Task of the Society», Opening Address to the Annual Conference, ISNIE Newsletter, Vol.2, No.2, (September 17, 1999).
 - Coccia, Mario. «Driving forces of technological change, The relation between population growth and technological innovation», Analysis of the optimal interaction across countries, *Technological Forecasting & Social Change*, Vol. 82, (2014).
 - Easterlin, Richard A., (1978). *The Economics and Sociology of Fertility*, A Synthesis, in: C.Tilley, ed, Historical Studies of Changing Fertility, NJ: Princeton University Press.
 - Easterlin, Richard A., (1973). *The Economics and Sociology of Fertility*, A Synthesis, Revised Version, University of Pennsylvania.
 - Easterlin, Richard A., (1969) (a). Population, in Nell Chamberlain, Survey of Contemporary Economics, Irwin, Homewood.
 - Easterlin, Richard A., (1969) (b). Toward a Socioeconomic Theory of Fertility: A Survey of Recent Research on Economic Factors in American Fertility, in J E - - Eham, Lesli Corsa and Ronald Freedman, editor, Fertility and Family Planning: A World View, University of Michigan Press.
 - Fulop, Marcel. *The American Economist*, Vol. 21, No. 1, (1977).
 - Friedman, Debra, Michael, Hechter, Satoshi, Kanazawa. «A Theory of

- the Value of Children», *Demography*. Aug 94, Vol. 31 Issue 3, (1994).
- Guinnane, Timothy W. “The Historical Fertility Transition: A Guide for Economists”, *Journal of Economic Literature*, Vol. 49, No. 3, (2011).
 - Gustafsson, Siv & Adriaan, Kalwij, (2006). Fertility Decisions: Economic Theory, Empirical Analysis and Policy Relevance, in, Education and Postponement of Maternity, edited by, Siv Gustafsson and Adriaan Kalwij.
 - Hodgson, Geoffrey M. «What Are Institutions?» *Journal of Economic Issues*, Vol. XL, No.1, (2006).
 - Jameson, Kenneth P. “Has Institutionalism Won the Development Debate?” *Journal of Economic Issues*; Vol. 40, No. 2, (2006).
 - Johnson, David & Guyonne, Kalb, (2002), Economic Analyses of Families: Existing Research Findings, Melbourne Institute of Applied Economic and Social Research, Melbourne Institute, Working Paper No. 27/02.
 - Jones, Larry E., Alice, Schoonbroodt, Michèle, Tertilt, (2010), Fertility Theories: Can They Explain the Negative Fertility-Income Relationship? NBER Chapters, in: Demography and the Economy, pages 43-100 National Bureau of Economic Research, Inc.
 - Klein, peter, G. (1999). *New Institutional Economics*, in *Encyclopedia of Law and Economic*, Edited by Boudewijn and Grrit De Geest, Edward Elgar.
 - Kendzia, Michael J & Klaus Zimmermann, F, “Celebrating 150 Years

of Analyzing Fertility Trends in Germany”, *Institute for the Study of Labor*, Discussion Paper No. 6355, (2012).

➤ Leibenstein, Harvey, “Economic Decision, Theory and Human Fertility Behavior: A Speculative Essay”, *Population and Development Review*, Vol. 7, No. 3, (1981).

➤ Leibenstein, Harvey, “The Economic Theory of Fertility Decline”, *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 89, No. 1, (1975).

➤ Livi Bacci, Massimo, “Low Fertility in Historical Perspective”, *Population and Development review*, Vol. 38, (2012).

➤ Lundberg, Shelly & Robert A, Pollak, (2007). *The American Family and Family Economics*, IZA Discussion Paper No. 2715.

➤ Macdonald, Peter, “Gender Equity, Social Institutions and the Future of Fertility”, *Journal of Population Research*, Vol. 17, No. 1, (2000).

➤ McNicoll, Geoffrey, (1994). Institutional analysis of fertility, in *Population, Economic Development, and the Environment*, ed. Kerstin Lindahl-Kiessling and Hans Landberg, Oxford: Oxford University Press.

➤ McNicoll, Geoffrey «Institutional determinants of fertility change» *Population and Development Review*, Vol. 6, No.3 (1980).

➤ Melser, Derek, (2004). *The Act of Thinking*, The MIT Press.

➤ Macunovich, Diane J, (2003). *Economic Theories of Fertility*, Chapter 6 in *Economics of Gender and the Family*, edited by Karine Moe, Blackwell Publishers.

➤ Macunovich, Diane J, «Fertility and the Easterlin hypothesis

- An assessment of the literature», *Journal of Population Economics*, Vol. 11, (1998).
- Malthus, (1821). An Essay on the principle of Population, First Edition Macmillan company Reprint 1909.
- North. Douglas», (2000). The New Institutional Economics and Third World Development, Edit by J. Harris, Hunter, International Ltd.
- Prettnner, Klaus, David E, Bloom, & Holger, Strulik. «Declining fertility and economic well-being: Do education and health ride to the rescue?» *Labour Economics*, Vol. 22, (2013).
- Ranson, Baldwin. “Heterodox Theoretical Convergence: Possibility or Pipe Dream?” *Journal of Economic Issues*; Vol. 41, No. 1, (2007).
- Rutherford, Macolm. “Institutional Economics: Then and Now”, *The Journal of Economic Perspectives*, Vol.15 No.3, (2001).
- Sanderson, Warren C. “On Two Schools of Economics of Fertility”, *Population and Development Review*, Vol. 2, No. 3/4, (1976).
- Schultz, T. Paul (2008). Population Policies, Fertility, Women’s Human Right and Child Quality, in, Handbook of Development Economics, Vol. 4, Edited by, T. Paul Schultz and John Strauss, Elsevier.
- Schultz, T. Paul (2001). *The Fertility Transition: Economic Explanations*, Working Paper, Yale University.
- Schumpeter, Joseph, A. (1981). History of Economic Analysis, Routledge.
- Smith, A. (1776). An inquiry into the nature and causes of the wealth

of nations, University of Chicago Press.

➤ Strulik, H., K. Prettnner, A. Prskawets. «The past and future of Knowledge-based growth», *Journal of Economic Growth*, Vol. 18, (2013).

➤ Yoosik, Youm, (2011). A Network Approach to the Economic Models of Fertility, RIETI Discussion Paper Series 11-E-062.